

پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵
ص ۴۳۱-۴۴۸

فضای شهروندمدار، رویکردی نوین در تحقق توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)

زیبا پرنون* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی
محمدتقی رضویان - دکتری جغرافیا، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
زهره فنی - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
محمدحسین پاسوار - دکتری مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس
جمیله توکلی‌نیا - دکتری جغرافیای انسانی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۴ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

چکیده

تطور مفهوم فضا در دهه‌های گذشته و ایجاد درک مشترک از اینکه فضا یک سازه اجتماعی و اجتماع نیز یک سازه فضایی است، از یک سو و در نظر گرفتن حقوق شهروندان به مثابه اساس برنامه‌ریزی‌های اجتماعی در گفتارهای شهروندی از سوی دیگر، اساس نظری تبلور فضای شهروندمدار است. مفهومی که شناخت ابعاد و نحوه عینیت یافتن آن موضوع بسیاری از پژوهش‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های شهری در چند سال اخیر بوده است. این پژوهش به دنبال بررسی و شناخت فضا، شهروندی و فضای شهروندمدار و تجزیه و تحلیل وضعیت فضای شهر تهران بر اساس این شناخت است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و اساس آن مبتنی بر مدل CSI یا شاخص رضایت شهروندان از طریق مطالعه میدانی (۳۸۴ پرسش‌نامه) و بهره‌گیری از روش‌های آماری کای اسکوتر، T-test تک‌نمونه‌ای، ضریب همبستگی اسپیرمن و... در محیط نرم‌افزار SPSS است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های CSI در شهر تهران در وضعیت نامطلوب و نسبتاً مطلوب قرار دارد و شهروندان از فضای شهر تهران رضایتی کمتر از حد متوسط داشته‌اند. همچنین دوری و فاصله فضای شهر تهران از ابعاد و شاخص‌های فضای شهروندمدار به مثابه مهم‌ترین حلقه مفقوده نظام برنامه‌ریزی شهری تهران است که این امر می‌تواند هشدار برای بروز آسیب‌های اجتماعی - فضایی باشد و ضروری است از هم‌اکنون چاره‌ای برای حل آن اندیشیده شود.

کلیدواژه‌ها: تهران، شهروند، فضا، فضای شهروندمدار، مدل CSI.

* E-mail: Zparnoon@yahoo.com

نویسنده مسئول، تلفن: ۰۹۱۳۴۳۸۶۵۷۴

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مقطع دکتری زیبا پرنون با عنوان تحول نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران بر پایه مدیریت شهروندمدار به راهنمایی دکتر محمدتقی رضویان و دکتر زهره فنی، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی است.

مقدمه

دهه‌های آینده، دهه‌های حاکمیت شهروندان بر سرنوشت خود و تکاپوی آنان برای بهره‌مندی از موقعیت بهتر اجتماعی، اقتصادی و زیستی است. برنامه‌ها و سیاست‌هایی که بدون در نظر گرفتن گرایش‌های توده‌ای مردم و صرفاً با هدایت و توصیه از بالا پیش می‌روند، راهی جز به هدر دادن امکانات و شکست ندارند (نوذری و رجب‌دوست، ۱۳۸۸: ۳۵). از این رو توجه به خواست شهروندان و بهره‌مندی از نظرهای آنها در فرایند برنامه‌ریزی از اهمیت بسیاری برخوردار است (Chado & Bte Johan, 2016: 186). پژوهش و نظریه‌پردازی در رابطه با فضای شهرها به‌مثابه مفهوم بنیادین و اساس برنامه‌ریزی شهری نیز تحت تأثیر این دگرگونی‌ها، موجد چالش‌هایی شده که تحول و معرفت‌شناسی فضا را از دیدگاه‌ها و نگرش‌های کالبدی تا تأکید بر پایداری و شهروندمداری در پی داشته است (ایمانی شاملو و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۵ و کاظمیان، ۱۳۸۳). دیوید هاروی در اثر خود «عدالت اجتماعی و شهر» فرایندهای اجتماعی و اشکال فضایی را واقعیت‌های لاینفک از یکدیگر می‌داند و تأکید می‌کند که هرگونه نظریه عام درباره شهر باید بتواند فرایندهای اجتماعی شهر را به شکل فضایی آن ربط دهد (هاروی، ۱۳۷۹). لوفور نیز در اثر مهم خود، تولید فضا، نیاز به بررسی فضا را هم به‌مثابه یک محصول و هم تعیین‌کننده مناسبات و کنش‌های اجتماعی متذکر می‌شود. از نظر وی فضاهای شهری باید در خدمت ارضای نیازهای انسانی نظیر تفریح، سرگرمی و تعلق جمعی باشند و شهروندان حق دارند در این فضاها مشارکت کنند و بر اساس گردش آزاد اطلاعات، حق شهروندی خویش را تجربه کنند (Stanek, 2016). ادامه این نظریه‌پردازی‌ها با تأکید لنینج بر خوانایی و نمایانی شهر از طریق رجوع به مردم و نقش اجتماعی آنها است (Spencer, 1991). طرح سؤال «آیا ما شهرها را برای مردم می‌سازیم یا برای ماشین‌ها؟» و تأکید بر بعد انسانی در ایجاد شهرهای سالم از سوی جاکوبز (Corcoran, 2015)، طرح ایده «شهرهایی برای مردم» از سوی یان گل (یان گل، ۱۳۹۲) و... موجب شد تا چگونگی دستیابی به مقیاس انسانی، به مرکز برنامه‌ریزی فضایی تبدیل می‌شود. برنامه‌ریزی فضایی چاره‌ای نمی‌یابد جز درک خواست‌ها و نیازهای شهروندان و درک این مهم، اساس و پایه سامان‌دهی فضا می‌گردد (Oscar Nigro & González Císaro, 2016: 85). در این سیروگذر است که مفهوم فضای شهروندمدار متبلور می‌شود و برنامه‌ریزان فضایی نحوه عینیت یافتن حقوق شهروندی در فضا را دنبال می‌کنند. در اغلب شهرهای توسعه‌یافته در سال‌های اخیر با درک ضرورت و لزوم همسویی با این نگرش، فعالیت‌های مهمی در ایجاد فضاهای شهری شهروندمدار انجام گرفته است. تجربه این شهرها نشان می‌دهد که چگونه این حرکت با کاهش مشکل‌ها و بحران‌های فضایی - اجتماعی همراه بوده است. شهر تهران به‌مثابه پایتخت اداری و سیاسی، در همه برنامه‌ریزی‌های کالبدی و فضایی کشور پیشگام است، با این حال در عرصه فضایی هنوز در راه‌های آغازین توجه به حقوق شهروندی است. توجه به حقوق شهروندان و به عبارت دیگر، بعد انسانی فضا حلقه مفقوده نظام برنامه‌ریزی شهری تهران بوده و همواره از آن غفلت شده است. از این رو باید اصلاحاتی در روش برنامه‌ریزی شهری آن صورت گیرد. این اصلاحات نه از گونه کالبدی، بلکه از نوع فرهنگی و اجتماعی است؛ بدین معنی که حقوق شهروندی در بخش‌های گوناگون لحاظ گردد و برنامه‌ریزی کالبدی هماهنگ با مفهوم و حقوق شهروندی در بخش‌های مختلف پیاده شود (دانشمند و نظریان، ۱۳۸۹: ۱). بنابراین هدف اصلی این پژوهش مطالعه و بررسی فضای شهر تهران از بعد شهروندمداری است. در این زمینه سؤال این است که آیا فضای شهر

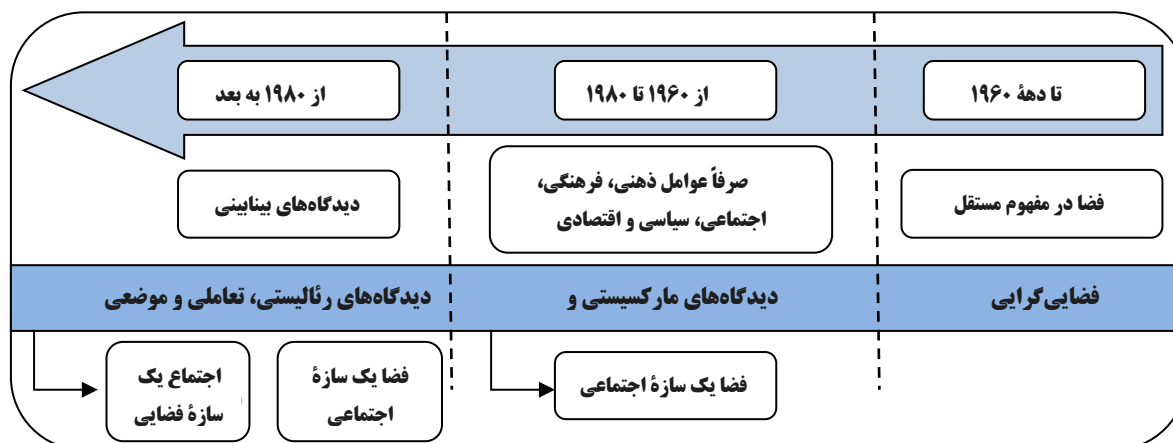
تهران در چارچوب مفهوم، ابعاد و تعاریف فضای شهروندمدار است؟ برای پاسخ به این پرسش نیاز است در ابتدا مفاهیم و مبانی نظری فضای شهروندمدار بررسی شود، ابعاد و شاخص‌های آن شناسایی و در نهایت بر اساس آنها، وضعیت شهر تهران سنجش، تجزیه و تحلیل و آسیب‌شناسی شود. بنابراین اتخاذ رویکرد و چارچوبی نوین در تبیین فضای شهروندمدار و نحوه عینیت یافتن آن در شهر تهران در این پژوهش مدنظر بوده و ویژگی‌ها و ابعاد فضای شهر تهران در قالب شهروندمداری تحلیل می‌گردد.

مبانی نظری

فضا

فضاهای شهری در بستر تاریخ، عرصه کارکردهای مختلف اجتماعی‌اند و این کارکردها همواره وابسته و در ارتباط مستقیم با عرصه عمومی و کالبدی شهر است (رزاقی، ۱۳۹۵: ۹۵). پرداختن به فضا به مثابه ظرف و عرصه ظهور فرایندهای اجتماعی و اقتصادی، توسعه فضایی و تضمین امکان زندگی در شهرها اهمیت ویژه‌ای دارد (Estevez- Mauriz & others, 2016: 4). به طوری که هر تبیین باکفایت در برنامه‌ریزی شهری در گرو توجه به سه مسئله است: فضا، زمان و مکانیزم‌های اجتماعی (Warde, 1987، به نقل از افروغ، ۱۳۷۶: ۱۱). این اهمیت، عرصه نظریه‌پردازی‌های متعدد و متنوعی گردیده که بازتاب و نتایج مثبت و منفی فراوانی را در شهرهای مختلف جلوه‌گر شده است (Siagian, 2016).

تطور مفهوم فضا در دیدگاه‌های فضایی بدین ترتیب بوده که ناکارآمدی فضاگرایی دهه ۱۹۶۰ تحت تاثیر فیزیک نسبیت و هندسه نااقلیدسی، ساختارگرایی، پسا ساختارگرایی، ساخت بخشی و تحولات در دیگر عرصه‌ها به فضا مندی علوم اجتماعی و چرخش فضاگونه آن منجر شده است (ضرغامی و بهروز، ۱۳۹۴: ۸۲). یک طیف این واکنش را مارکسیست‌ها تشکیل می‌دادند که به طور مطلق و کامل فضا را نفی کردند. به زعم اینان همه روابط و فرایندهای فضایی در واقع روابط اجتماعی‌اند که شکل فضایی یافته‌اند. به گونه‌ای که در این دوره، تأکید بر آن است که فضا یک سازه اجتماعی است (Massey, 1987: 11). طرف دیگر این طیف، متفکرانی بودند که این گرایش افراطی را نپذیرفته‌اند و ضمن نفی موضع جوهری فضا، موضع ربطی یا نسبی اتخاذ کردند و تأکیدشان بر این بود که اجتماع نیز یک سازه فضایی است. در نهایت با توجه به کمبود هر یک از دیدگاه‌های پیشین در دهه ۱۹۸۰ دیدگاه بینابینی مطرح شد که قائل به این موضوع است که فضا یک ساخت اجتماعی است، اما روابط اجتماعی نیز روی فضا بنا می‌شوند (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۹).



مأخذ: ایمانی‌شاملو و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۹

به عقیده آنان عوامل اجتماعی نقش اساسی در ادراک بازنمودهای فضایی دارند (Dias & Ramadier, 2015: 135). در واقع بین فضا و جامعه رابطه متقابل و دوسویه وجود دارد. از یک سو، این اجتماع انسانی است که به فضا شکل داده و آن را مطابق با نیازهای خود تغییر می‌دهد و از سوی دیگر، ویژگی‌های یک فضا و امکانات آن، نحوه بهره‌برداری و نوع فعالیت‌های انسان را تعیین می‌کند (Clément & Bukley, 2014). هر فضا به‌مثابه یک منبع هویت است و گروه‌هایی را که در آن قرار می‌گیرند هویت می‌بخشد (ربانی، ۱۳۸۱: ۳۷).

شهروندی

شهروندی به‌مثابه پدیده اجتماعی مدرن یکی از مؤلفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخص‌های کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است که برخوردار از حوزه عمومی و جامعه مدنی کارآمد و پویا است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۲). شهروندی وضعی است که مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات را همراه با برابری، عدالت و استقلال در خود دارد (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۴). مفهوم شهروندی مستلزم برخورداری از حق، وسیله، فضا، فرصت، در صورت لزوم پشتیبانی و حمایت برای حضور و تأثیرگذاری در تصمیم‌ها و نیز درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی برای کمک به ساخت جامعه‌ای بهتر است (ERYICA, 2003). شهروند باید به‌طور چرخشی در زندگی مدنی و شهری در حکمرانی و اطاعت کردن سهیم باشد (Cunningham, 2011: 35). شهروندی موقعیتی اثرپذیر نیست، بلکه حالتی اثرگذار است و با سلطه سازگاری ندارد. شهروندی نمونه‌ای عالی از چیزی است که آنتونی گیدنز آن را «دوگانگی ساختار» (Duality of Structure) نامیده است. از دید گیدنز، نمی‌توان فرد و جامعه را به‌سان ایده‌هایی مخالف و دشمن یکدیگر دانست، بلکه کارگزاری فرد و کردارهای اجتماعی به یکدیگر وابسته‌اند. فرد با اعمال حقوق و ایفای تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را بازتولید می‌کند. پس شهروندی هویتی پویا است (صرافی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۷). چشم‌انداز نظری تحلیل و تبیین فضای مفهومی شهروندی تا اندازه زیادی با بافت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی‌ای که چنین چشم‌اندازی در آن اتخاذ می‌شود، پیوند و رابطه دارد. از همین رو می‌توان نسبت و ارتباط تنگاتنگی

میان جامعه و شهروندی قائل شد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۷). در ادبیات گسترده نظریه‌های شهروندی، هسته مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی به شرح ذیل است:

- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای همه اعضای جامعه.
- مجموعه‌ای به هم پیوسته از وظایف، حقوق، تکالیف، مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان.
- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.
- برخورداری عادلانه و منصفانه همه اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی، فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (مک لین، ۱۹۹۶ و ترنر ۱۹۹۳ به نقل از توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۳).

سیر تاریخی شکل‌گیری مفهوم شهروندی و برداشت جوامع مختلف از این مفهوم، باعث شده است که صور گوناگونی از شهروندی در قالب الگوهای نظری نشان داده شود. در این میان، چهار رویکرد برجسته یا به گفته دماین «گفتمان شهروندی» وجود دارد: گفتمان فردگرایی لیبرال، گفتمان اجتماع‌گرایی، گفتمان جمهوری‌گرایی (مدنی و جدید) و گفتمان فمینیستی. از میان این گفتمان‌ها، گفتمان اجتماع‌گرایی هدایتگر این پژوهش و پیونددهنده مفهوم فضا و شهروندی است. به این دلیل، تنها این گفتمان تشریح می‌شود. در گفتمان شهروند اجتماع‌گرایی «فرد وضعیت‌مند» (Situationed Individual) مطرح می‌شود. یعنی فردی که در دل اجتماع خود قرار دارد و از طریق تعلق‌ها و فهم مشترکی که دارد، زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد و تعریف می‌کند. فرد وضعیت‌مند برخی حقوق و وظایف ویژه را که خصیصه‌های اخلاقی او را می‌سازد، از اجتماعی که در آن زندگی می‌کند می‌گیرد و هم‌زمان در اهداف و مقاصد جامعه خود درگیر می‌شود. بنابراین اجتماع باید طوری سازمان داده شود که همگی احساس کنند که از سر رضایت و بدون هر گونه مخالفت، جزئی از آنند (Roberts, 1997: 351 - 365). در واقع در این گفتمان شهروندی به معنای عضویت در یک اجتماع خاص است و شهروندی یعنی بهره‌مندی از پایگاه و شأن حقوقی‌ای که مستند به حقوق، وظایف و تکالیف رسمی و قانونی است. ممیز شاخص شهروندی در گفتمان اجتماع‌گرایی این است که شهروندان «عضو اجتماع» هستند و این امر متضمن داشتن ارزش‌ها، علایق، حقوق، وظایف و تکالیف مشترک نسبت به اجتماع است (RennieShort, 1996).

فضای شهروندمدار

اگر بر اساس دیدگاه‌های بینابینی و ترکیبی، فضا را یک سازه اجتماعی و اجتماع را یک سازه فضایی در نظر بگیریم و همچنین بر اساس گفتمان اجتماع‌گرایی نیز شهروندان را به مثابه «عضو اجتماع» بدانیم، سؤالات ذیل مطرح می‌شود:

- شهروندان به مثابه عضو اجتماع از فضای پیرامون خود چه خواست‌ها و انتظاراتی دارند؟
- بازخورد ادراکی شهروندان از فضای شهر چگونه است؟
- آیا امروزه فضاهای شهری در همه ابعاد به مثابه فضایی پاسخ‌ده عمل می‌کنند؟

پاسخ به این سؤال‌هاست که پیوند مفاهیم فضا و شهروندی را ایجاب می‌کند و روشن می‌سازد که چگونه از دل این پیوند، فضای شهروندمدار تبلور و عینیت می‌یابد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بین فضا و جامعه رابطه متقابل و دوسویه وجود دارد. هایدگر در کتاب *ساختن، سکنی‌گریدن، تفکر* به این نکته اشاره کرده است که فضاها به واسطه این واقعیت گشوده می‌شوند که به مکان‌باشندگی آدمی تبدیل شوند (Jacobson, 2012). از نظر لوفور نیز فضای شهروندمدار فضاهایی شهری‌اند که در خدمت ارضای نیازهای انسانی نظیر تفریح، سرگرمی و تعلق اجتماعی‌اند (Stanek & others, 2016). می‌توان گفت زمانی که فضای ذهنی و فضای فیزیکی به نحوی سامان یابند که فضای اجتماعی خلق شده از تعامل آنها بتواند انگیزه‌های اساسی و نیازهای انسان‌ها را که هگل آن را به رسمیت شناخته شدن می‌نامد، ارضاء نماید، فضای شهروندمدار ایجاد شده است. برای عینیت یافتن فضای شهروندمدار، برنامه‌ریزی شهری باید علاوه بر توجه به اهداف کالبدی و کارکردی، به نیازهای کیفی و روانی مردم در محیط زندگی شهری مانند هویت اجتماعی، امنیت و رفاه اجتماعی، اشتغال پایدار، آسایش روانی، احساس زیبایی، همبستگی و تعلق اجتماعی و... نیز پاسخ‌گو باشد. ایجاد خوانایی و پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی در فضا و تلاش برای افزایش شادی مردم از طرق مختلف، اساس خلق فضای شهروندمدار است (Cunningham, 2011: 36). محقق نمودن حقوق شهروندی در برنامه‌ریزی فضایی، این بستر را فراهم می‌آورد که شهروندان در این فضاها مشارکت کنند و بر اساس گردش آزاد اطلاعات، حق شهروندی خویش را تجربه نمایند. بدون شک، سوگیری برنامه‌ریزی‌های شهری به هر یک از مفاهیم فضا و شهروندان به صورت مجزا و نبود تعادل در ارتباط میان جامعه و فضای شهر منجر به بروز بحران و مشکلات اجتماعی – فضایی خواهد شد (Holden & others, 2013: 110 - 11) و باعث می‌شود هم فضا به‌مثابه سازه اجتماعی و هم اجتماع به‌مثابه سازه فضایی دچار نبود تعادل و توازن گردند. فرایندی که طی دهه‌های گذشته به دلیل نگاه تک‌بعدی به فضا یا به اجتماع و درک نکردن روابط متقابل این دو در برنامه‌های توسعه شهری و طرح‌های موضعی و موضوعی، منجر به مشکلات اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و بحران‌آفرین گردیده که هشدار بر ناپایداری شهرها شده است (ساسان‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۹). مواجهه با فرایند مذکور و چالش‌های آن سبب شده است تا برنامه‌ریزی ناچار به شناخت واقعی‌تر و جدی‌تر موضوع خود شود؛ تا جایی که توجه به ابعاد انسانی فضا و نیاز به مشارکت شهروندان و توجه به حقوق شهروندی در برنامه‌ریزی‌های فضایی، گستره جهانی پیدا کرده و به‌مثابه یکی از ابزارهای کلیدی برنامه‌ریزی شهری به آن توجه شده است و در نظریه‌های توسعه انسان‌محور، «پایداری» (به مفهوم جامع اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی) و «شهروندمداری» دو اصل بنیادین و پذیرفته‌شده محسوب می‌شوند. اصول مذکور را می‌توان عام‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین سوگیری‌های محتوایی نهادهای گوناگون موجود در جوامع مختلف اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه دانست (کاظمیان، ۱۳۸۳: مختلف). برای شناخت دقیق فضای شهروندمدار، نیاز است که ابعاد و مؤلفه‌های آن شناسایی شود. بدین جهت در این پژوهش سعی شد که همه پژوهش‌ها و مطالعه‌هایی که در ارتباط با فضا و شهروندمداری صورت گرفته است، بررسی شود. نتایج نشان می‌دهد که فضای شهروندمدار مفهومی چندوجهی است و همه ابعاد زندگی اجتماعی شهروندان اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد. اغلب پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه، فاقد نگاه جامع به همه این ابعاد است. در جدیدترین و کامل‌ترین رویکرد در سال ۲۰۱۳ و تکمیل‌شده آن در سال ۲۰۱۶، همه عوامل و

مؤلفه های مؤثر بر رضایتمندی شهروندان و رعایت حقوق آنها در فضای شهرها شناسایی و تحت عنوان مدل CSI (The citizen satisfaction index) یا شاخص رضایت شهروندان ارائه شده است. این مدل مبتنی بر ۴ محور اصلی شهرنشینی و تنوع، طبیعت و تفریح، فرصت شغلی، هزینه/ بهره‌وری و دو محور تکمیلی رضایت کلی و احساس تعلق است که تعدادی شاخص ذیل هر یک از آنها آمده است (جدول ۱).

جدول ۱. عوامل و شاخص‌های مدل CSI

شاخص	محور
طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های فرهنگی (تئاتر و...); تنوع فرصت‌های خرید; تعداد زیاد فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها; انرژی و جو فضای شهر; دسترسی به خدمات متفاوت; تصویر بصری شهر; پذیرش و مدارا (با فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها) در شهر	شهرنشینی و تنوع
تعداد زیاد فضاهای سبز طبیعی و عمومی; کیفیت محیط زیست (آلودگی هوا و صدا); تعداد پارک‌ها و فضاهای سبز; طیف گسترده فعالیت‌ها در هوای آزاد; آرامش و آسایش مکان; بهداشت محیط; دسترسی به کنارروها	طبیعت و تفریح
سطح عمومی دستمزدها; فرصت‌های شغلی و ارتقای مناسب; رشد اقتصادی عمومی در مناطق ویژه; شبکه‌های تخصصی در شهر	فرصت شغلی
بازار مسکن / هزینه اجاره; سطح عمومی قیمت‌ها در شهر / هزینه زندگی; در دسترس بودن آپارتمان و خانه	هزینه - بهره‌وری
آیا این شهر برای رشد فرزندان مناسب است? آیا تمایل به زندگی در این شهر دارید?	رضایت کلی
آیا برای رفتن از شهر برنامه‌ریزی دارید? آیا آرزو و رویای رفتن از شهر دارید? در صورت دسترسی به شغل، رفاه و آسایش در شهر دیگر، آیا از این شهر خواهید رفت?	دل‌بستگی به شهر

مأخذ: (Nigro & González Císaro, 2016 و Zenker, Petersen, Aholt, 2013: 158)

شاخص شهرنشینی و تنوع دربرگیرنده ابعاد اجتماعی فضای شهر اعم از فعالیت‌های فرهنگی، وضعیت فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها در شهر، خدمات شهری و نحوه دسترسی به آن و همچنین طراحی و منظر شهری است. محور طبیعت دربرگیرنده وضعیت فضای سبز و فضای باز در شهر، کیفیت محیط زیست (آلودگی هوا و صدا)، بهداشت محیط و... است. محور فرصت شغلی، وضعیت اقتصادی شهر را ارزیابی می‌نماید. محور هزینه - بهره‌وری نیز به صرفه بودن هزینه‌های زندگی در شهر اعم از قیمت مسکن و اجاره‌بها و سطح عمومی قیمت‌ها را شامل می‌شود. همچنین دو محور تکمیلی مدل شامل پرسش‌هایی است که به صورت مستقیم وضعیت رضایتمندی شهروندان از فضای شهر را سؤال می‌کند و موجب تجزیه و تحلیل جامع‌تر و دقیق‌تر خواهد شد. بدون شک این مدل کاستی‌هایی دارد (که در این پژوهش به برخی از آنها اشاره خواهد شد) اما در مقایسه با دیگر بررسی‌ها و مطالعه‌ها، جامع‌ترین است و نتایج صحیحی از وضعیت فضای شهروندمدار در شهرها و میزان رضایت شهروندان به دست خواهد داد. (Nigro & Zenker, Petersen, Aholt, 2013 و González Císaro, 2016)

روش تحقیق

با توجه به ماهیت، هدف و حیطه موضوع پژوهش، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. شهر تهران محدوده مطالعه پژوهش در نظر گرفته شده است و علت این انتخاب نیز این است که شهر تهران عرصه به‌روزترین طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری در کشور است. در نتیجه، آنچه که اینک در فضای شهر بروز و ظهور یافته است، انعکاس و بازتاب نظام برنامه‌ریزی موجود است. بررسی وضعیت این فضا از بعد حقوق شهروندان و سنجش درجه رضایت آنها از این فضای خلق شده، می‌تواند هم در ریشه‌یابی مشکل‌ها و مسائل موجود مؤثر واقع شود و هم هدایتگر دیگر شهرهای کشور در شناخت آینده نظام برنامه‌ریزی شهری آنها باشد.

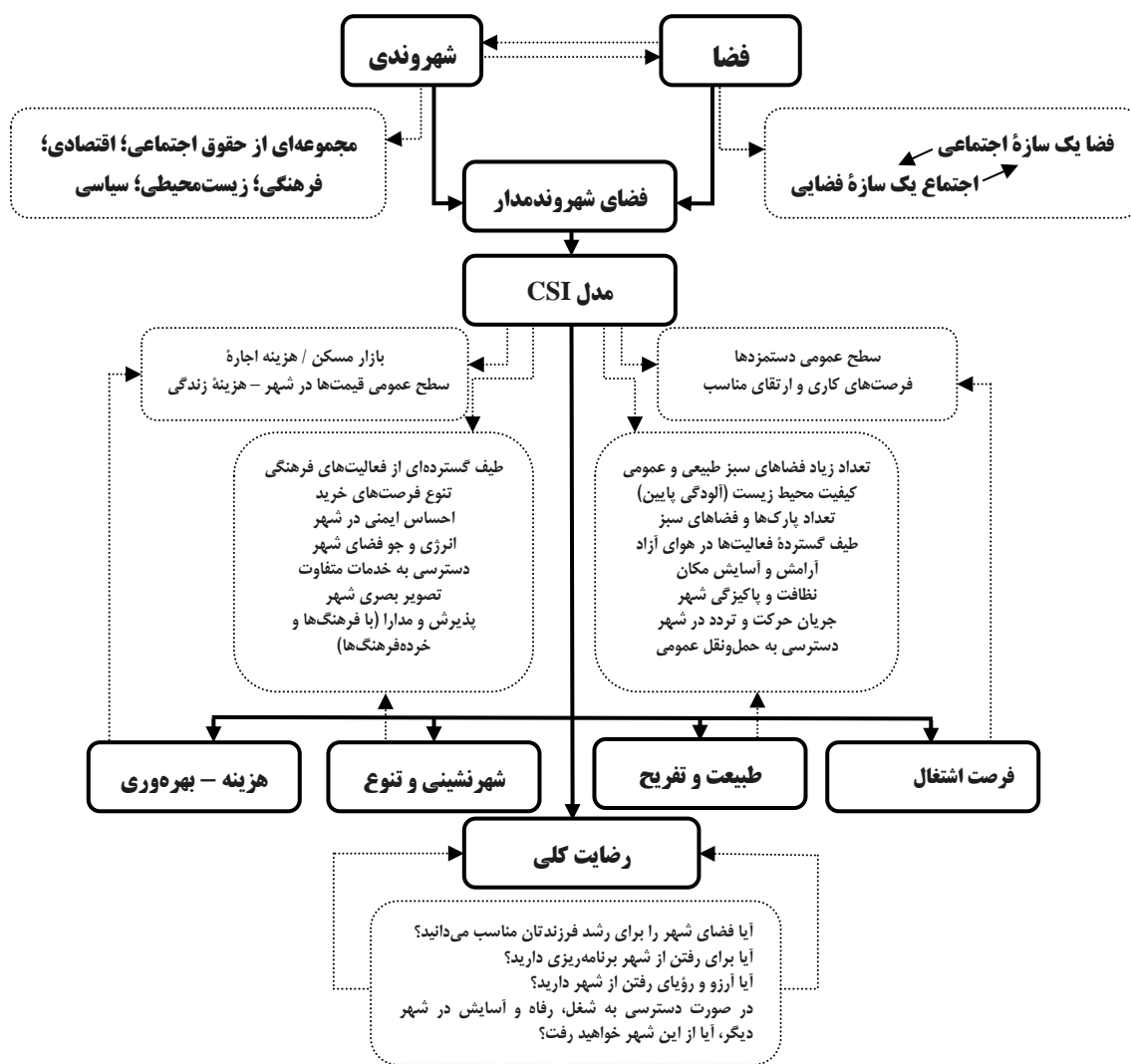
روش جمع‌آوری اطلاعات، اسنادی و میدانی است. جمع‌آوری داده‌ها در بخش نظری با استفاده از روش اسنادی و منابع کتابخانه‌ای صورت گرفت و برای سنجش مدل مفهومی تحقیق در شهر تهران از بررسی میدانی مبتنی بر پرسش‌نامه استفاده شد. بدین منظور با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر با سطح خطای ۵ درصد برای حجم نمونه تعیین گردید. با توجه به اینکه در سطح شهر تهران ساختاری مختلط، متنوع و مناطقی با سطوح مختلف رفاه و پایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد، از روش نمونه‌گیری مختلط یا خوشه‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که بر اساس پژوهش‌هایی که شهر تهران را بر اساس عدالت فضایی و سطح توسعه‌یافتگی تقسیم‌بندی کرده بودند، سه منطقه ۱ (سطح بالای توسعه)، منطقه ۲۲ (سطح متوسط توسعه) و منطقه ۱۸ (سطح پایین توسعه) (رفعیان و شالی، ۱۳۹۱: ۴۲) به روش قرعه‌کشی برگزیده شدند. در سطح این مناطق نیز به شکل کاملاً تصادفی از ساکنان درخواست شد که به پرسش‌نامه پاسخ دهند.

برای تعیین متغیرها و مؤلفه‌های سنجش وضعیت فضای شهر تهران از بعد شهروندمداری، مدل CSI اساس کار قرار گرفت. اما با توجه به شرایط شهر تهران، محدودیت در سنجش برخی مؤلفه‌ها و همچنین خلأ برخی موضوع‌ها در این مدل، تغییراتی محدود به شرح ذیل داده شد:

- یکی از موضوع‌هایی که در این مدل به آن توجه نشده بود، وضعیت حمل‌ونقل است که با توجه به اهمیت و اثرگذاری آن بر فضای یک شهر، در دو شاخص جداگانه دسترسی به حمل‌ونقل عمومی و جریان حرکت و تردد در شهر مورد نظر سنجیده شد.
 - بحث دیگری که در مدل CSI نادیده گرفته شده بود، مقوله امنیت و احساس امنیت در شهر است که در قالب یک شاخص به مدل اضافه شد.
 - همچنین شاخص‌های رشد اقتصادی عمومی در مناطق ویژه، شبکه‌های تخصصی در شهر و وضعیت فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها با توجه به مسائلی که پیش‌تر توضیح داده شد، از مدل حذف گردید.
- در نهایت مدل مفهومی پژوهش حاضر در قالب تصویر ۱ اساس کار قرار گرفت.
- برای سنجش پایایی متغیرهای به‌کاررفته در پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد (جدول ۲). نتایج نشان داد که متغیرها در سطح ۰/۹۹ تا ۰/۹۵ معنادار است و پایایی متغیرها تأیید شد.

جدول ۲. نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش

متغیر	شهرنشینی و تنوع	طبیعت و تفریح	فرصت شغلی	هزینه‌ها و بهره‌وری	رضایت کلی	مجموع
ضریب آلفای کرونباخ	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۹



تصویر ۱. مدل مفهومی پژوهش

یافته‌ها

در مرحله اول از ارزیابی مدل CSI در شهر تهران، ۱۹ شاخص مدل CSI از طریق آزمون کای‌اسکوئر برای مقایسه میانگین متغیرها ارزیابی شدند (جدول ۳). نتایج نشان می‌دهد که مقایسه وضعیت میانگین‌ها برای همه متغیرهای بررسی شده معنادار است و از آنجا که میزان خطای محاسبه شده کمتر از حداقل خطای مجاز است ($0/001 < 0/000$)؛ بنابراین با اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که متغیرهای تحت مطالعه از نظر پاسخ‌گویان پذیرفتنی بوده‌اند. مهم‌ترین نکته‌های احصاشده از این آزمون آماری به شرح ذیل است:

* تفاوت میانگین به‌دست‌آمده در ۸ شاخص منظر و تصویر بصری فضای شهر، کیفیت محیط زیست، پارک‌ها و فضاهای باز موجود، جریان حرکت و تردد در شهر، احساس آرامش و آسایش در شهر، قیمت و اجاره مسکن و هزینه‌های زندگی، منفی ارزیابی شده که گویای نارضایتی شهروندان از این ابعاد فضای شهر تهران و وضعیت نامطلوب آنها است. بدون شک، نارضایتی در این شاخص‌ها پایه و بستر مشکل‌ها و چالش‌های فضایی - اجتماعی موجود و آینده خواهد بود. ** شاخص‌های طیف گسترده فعالیت‌های فرهنگی، تنوع فرصت خرید، انرژی و جو فضای شهر، میزان دسترسی به خدمات شهری، احساس امنیت از فضاهای عمومی، نحوه پذیرش و جذب فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، فضای سبز طبیعی و عمومی، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، رضایتمندی نسبی شهروندان را نشان می‌دهند و بیانگر این است که این شاخص‌ها از نظر شهروندان مطلوبیت نسبی دارند.

جدول ۳. میزان رضایتمندی شهروندان از مؤلفه‌های مدل CSI

معناداری	کای اسکوتر		توصیفی‌ها		میانگین	شاخص‌های CSI	میانگین
	درجه آزادی	مقدار خی دو	مطلوبیت میانگین ^۱	تفاوت میانگین‌ها			
۰/۰۰۰	۴	۱۵۵/۵۰	نسبتاً مطلوب	۰/۷۳	۳/۷۳	طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های فرهنگی	۱
۰/۰۰۰	۴	۱۸۶/۴۱	نسبتاً مطلوب	۰/۸۴	۳/۸۴	تنوع فرصت‌های خرید	۲
۰/۰۰۰	۴	۵۶/۶۷	نسبتاً مطلوب	۰/۳۱	۳/۳۱	انرژی و جو فضای شهر	۳
۰/۰۰۰	۴	۶۳/۹۹	نسبتاً مطلوب	۰/۴۷	۳/۴۷	دسترسی به خدمات شهری	۴
۰/۰۰۰	۴	۸۷/۷۴	نسبتاً مطلوب	۰/۱۲	۳/۱۲	احساس امنیت در فضاهای عمومی	۵
۰/۰۰۰	۴	۸۴/۷۵	نسبتاً مطلوب	-۰/۳۳	۲/۶۷	منظر و تصویر بصری فضای شهری	۶
۰/۰۰۰	۴	۱۲۵/۱۴	نسبتاً مطلوب	۰/۵۳	۳/۵۳	نحوه پذیرش و جذب فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها	۷
۰/۰۰۰	۴	۱۳۲/۸۲	نسبتاً مطلوب	۰/۵۲	۳/۵۲	فضاهای سبز طبیعی و عمومی	۸
۰/۰۰۰	۴	۲۱۹/۶۲	نامطلوب	-۰/۷۲	۲/۲۸	کیفیت محیط زیست	۹
۰/۰۰۰	۴	۸۲/۸۴	نسبتاً مطلوب	-۰/۱۳	۲/۸۷	پارک‌ها و فضاهای باز موجود	۱۰
۰/۰۰۰	۴	۱۷۶/۳۳	نسبتاً مطلوب	-۰/۳۳	۲/۶۷	طیف گسترده فعالیت‌ها در هوای آزاد	۱۱

شهرنشینی و نوسان

پارک‌ها و فضاهای باز

۱. سطوح مطلوبیت میانگین‌ها: ۱ تا ۲/۳۴ نامطلوب. ۲/۶۷ تا ۳/۶۷ نسبتاً مطلوب. ۳/۶۸ تا ۵ مطلوب.

ادامه جدول ۳. میزان رضایتمندی شهروندان از مؤلفه‌های مدل CSI

معناداری	کای اسکوئر	توصیفی‌ها			شاخص‌های CSI		
		مقدار خی دو	مطلوبیت میانگین ^۱	تفاوت میانگین‌ها	میانگین	شاخص‌های CSI	فرصت اشتغال
۰/۰۰۰	۴	۲۶۱/۳۳	نامطلوب	-۰/۷۶	۲/۲۴	جریان حرکت و تردد	۱۲
۰/۰۰۰	۴	۶۳/۹۹	نسبتاً مطلوب	۰/۴۷	۳/۴۷	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	۱۳
۰/۰۰۰	۴	۱۳۰/۸۹	نامطلوب	-۰/۷	۲/۳۰	احساس آرامش و آسایش در شهر	۱۴
۰/۰۰۰	۴	۹۰/۷۴	نسبتاً مطلوب	۰/۲۹	۳/۲۹	وضعیت بهداشت	۱۵
۰/۰۰۰	۴	۲۲۱/۹۶	مطلوب	۰/۷۷	۳/۷۷	سطح عمومی دستمزدها	۱۶
۰/۰۰۰	۳	۱۵۴/۳۳	مطلوب	۰/۹۵	۳/۹۵	فرصت‌ها و شرایط شغلی	۱۷
۰/۰۰۰	۴	۲۱۱/۲۸	نسبتاً مطلوب	-۰/۳۳	۲/۶۷	قیمت و اجاره مسکن	۱۸
۰/۰۰۰	۴	۱۳۶/۵۷	نسبتاً مطلوب	-۰/۵۵	۲/۴۵	هزینه‌های زندگی	۱۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

*** دو شاخص سطح عمومی دستمزدها و فرصت اشتغال، وضعیت مطلوب و رضایتمندی شهروندان را نشان می‌دهد. شایان ذکر است که وضعیت مطلوب این دو شاخص نیز به دلیل توجه به شهروندان و نیازهای اقتصادی آنها در برنامه‌ریزی‌های شهر تهران نبوده و تمرکزگرایی نظام برنامه‌ریزی‌های ملی در چند دهه اخیر و فراهم شدن شرایط تمرکز همه فعالیت‌های اقتصادی در شهر تهران، عرصه را برای وجود فرصت‌های شغلی و دستمزدهایی بالاتر در قیاس با دیگر شهرهای کشور فراهم آورده است. شهروندان نیز به دلیل ضرورت و نیاز به این بعد، از نیازهای زندگی به ناچار و با وجود ناراضی‌تری از دیگر ابعاد این فضا، در فضای شهر تهران ساکن شده‌اند.

در قسمت دوم با جمع زدن^۱ متغیرهای پژوهش و تشکیل ۴ محور اصلی مدل CSI، مقیاس داده‌های در دسترس از رتبه‌ای به شبه‌فاصله‌ای تغییر یافت و از این طریق امکان استفاده از آزمون پارامتریک t تک‌نمونه‌ای (t مستقل) نیز برای محقق فراهم آمد (جدول ۴).

۱. سطوح مطلوبیت میانگین‌ها: ۱ تا ۲/۳۳ نامطلوب. ۲/۳۴ تا ۳/۶۷ نسبتاً مطلوب. ۳/۶۸ تا ۵ مطلوب.

جدول ۴. نتیجه آزمون تی تک‌نمونه‌ای در رابطه با ۴ محور اصلی مدل CSI در شهر تهران

نتیجه نهایی	مقدار فاصله از سطح اطمینان ۹۵٪		T value = 3					ابعاد انسانی سازمان‌دهی فضای شهری
	حد پایین	حد بالا	مقدار معناداری	درجه آزادی	مقدار T	تفاوت میانگین	تعداد نمونه	
شهرنشینی و تنوع	۰/۲۷	۰/۵۰	۰/۰۰۰	۳۸۳	۶/۶۲	۰/۳۸۲	۳/۳۸	۳۸۴
طبیعت و تفریح	۰/۲۵	-۰/۰۴	۰/۰۰۰	۳۸۳	-۲/۷۴	-۰/۱۴۵	۲/۸۵	۳۸۴
فرصت اشتغال	۰/۷۷	۰/۹۴	۰/۰۰۰	۳۸۳	۱۹/۵۴	۰/۸۵۸	۳/۸۵	۳۸۴
هزینه - بهره‌وری	۰/۵۴	-۰/۳۳	۰/۰۰۰	۳۸۳	-۸/۲۲	-۰/۴۳۹	۲/۵۶	۳۸۴

توجه: * * معناداری در سطح ۹۵٪ درصد و سطح خطای $P < ۰/۰۵$

نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای برای چهار بعد مدل CSI در شهر تهران نشان می‌دهد که از لحاظ پاسخ‌گویی شهروندان، تفاوت معنادار بین ابعاد بررسی شده وجود دارد. نتایج مربوط به ستون تفاوت میانگین نشان می‌دهد که محورهای طبیعت و تفریح و هزینه - بهره‌وری به صورت منفی ارزیابی شده و نشان‌دهنده نارضایتی شهروندان و وضعیت نامطلوب این محورها در شهر تهران است. محورهای شهرنشینی و فرصت اشتغال اما در مقایسه با میانگین مفروض (۳) طیف لیبرت، رقم بالاتری را نشان می‌دهند که نشان‌دهنده رضایت نسبی شهروندان از این دو محور و البته وضعیت نسبتاً مطلوب آنها در قیاس با بعد شهرنشینی و تنوع و بعد طبیعت و تفریح است.

همان‌طور که در بخش روش تحقیق نیز ذکر گردید، علاوه بر ۴ محور اصلی بررسی شده تا این مرحله، وضعیت کلی رضایتمندی شهروندان با طرح ۴ پرسش مستقیم در پرسش‌نامه سنجیده شد تا با ارزیابی آن، بتوان نتایج مراحل قبل را به صورت دقیق‌تر تجزیه و تحلیل و تأیید کرد. در این مرحله نیز با استفاده از آزمون T (جدول ۵) مشخص شد که میزان مطلوبیت میانگین متغیرها در مقایسه با حد مطلوب (عدد ۳) وضعیت منفی دارد و نشان‌دهنده نارضایتی شهروندان از فضای شهر تهران است.

جدول ۵. نتیجه آزمون T تک‌نمونه‌ای در رابطه با شاخص رضایت کلی شهروندان

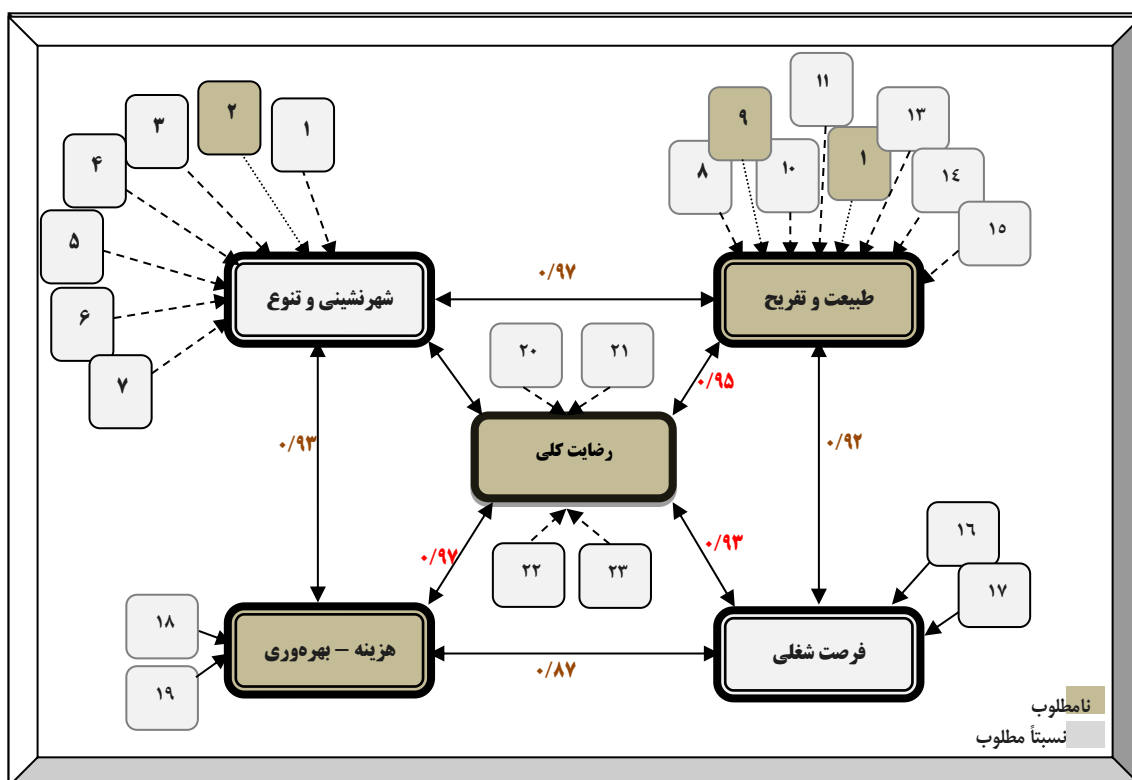
T	ارزش T	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد از میانگین	سطح معناداری
T	۳	۲/۶۹	۰/۸۱۴	۰/۴۲	۰/۰۰

در ادامه برای سنجش ارتباط میان محورهای اصلی مدل CSI و میزان ارتباط آنها با یکدیگر و همچنین با شاخص رضایت کلی شهروندان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج آزمون (جدول ۶)، میزان همبستگی بالای

محورهای اصلی مدل و رابطه مستقیم آنها با یکدیگر و همچنین رابطه مستقیم آنها با میزان رضایت کلی شهروندان را نشان می‌دهد. بر اساس همه نتایج، مدل CSI یا شاخص رضایت شهروندان از فضای شهر تهران در تصویر ۲ ارائه می‌گردد.

جدول ۶. نتیجه آزمون همبستگی اسپیرمن در ارتباط با محورهای مدل CSI در شهر تهران

متغیرها	شهرنشینی و تنوع	طبیعت و تفریح	فرصت شغلی	هزینه‌ها و بهره‌وری	رضایت کلی
شهرنشینی و تنوع		۰/۹۷۷	۰/۹۶۳	۰/۹۳۲	۰/۹۵۴
طبیعت و تفریح	۰/۹۷۷		۰/۹۲۷	۰/۹۷۱	۰/۹۵۱
فرصت شغلی	۰/۹۶۳	۰/۹۲۷		۰/۸۷۸	۰/۹۳۰
هزینه‌ها و بهره‌وری	۰/۹۳۲	۰/۹۷۱	۰/۸۷۸		۰/۸۹۷
رضایت کلی	۰/۹۵۴	۰/۹۵۱	۰/۹۳۰	۰/۸۹۷	



تصویر ۲. مدل CSI در شهر تهران

بحث و نتیجه‌گیری

فضا، ابعاد آن و نحوه برنامه‌ریزی فضایی یکی از موضوع‌های پرچالش در عرصه برنامه‌ریزی شهری است. در مهم‌ترین و جدیدترین رویکردها به این مفهوم، فضا یک سازه اجتماعی و اجتماع یک سازه فضایی است. این امر روشن می‌کند که فضای شهر صرفاً محدود به کالبد و فیزیک شهر نیست و در ارتباط همه‌جانبه با ابعاد مختلف زندگی اجتماعی است. شهروندی نیز به‌مثابه یکی از مفاهیمی که در سال‌های اخیر محور همه برنامه‌ریزی‌های شهری قرار گرفته، تعیین می‌کند که شهروند به‌مثابه اساس اجتماع، حقوق و تکالیفی دارد که می‌بایست در عرصه برنامه‌ریزی فضای شهر به آن توجه شود. از پیوند این دو مفهوم است که فضای شهروندمدار ایجاد می‌شود. فضایی که بتواند انگیزه‌های اساسی و نیازهای انسان‌ها را اکتفا کند. این پژوهش با بررسی وضعیت فضای شهر تهران از بعد شهروندمداری با استفاده از مدل CSI که یکی از جامع‌ترین مدل‌های موجود در سنجش سطح رضایتمندی شهروندان است، دید جامع و ترکیبی از ابعاد فضای شهروندمدار ایجاد کرد. فضای شهروندی همه ابعاد حقوق شهروندان اعم از حقوق فرهنگی (میزان فعالیت‌های فرهنگی و نحوه پذیرش و جذب فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها در شهر)، حقوق اجتماعی (دسترسی به فرصت‌های خرید، خدمات شهر، انرژی و جو موجود در فضای شهر، منظر و تصویر بصری فضای شهر)، حقوق زیست‌محیطی (وضعیت فضاهای سبز، پارک، کیفیت محیط زیست اعم از آلودگی هوا و صدا، وضعیت حمل‌ونقل عمومی، جریان حرکت و تردد در شهر، احساس آرامش و امنیت) و حقوق اقتصادی (رضایت از سطح عمومی دستمزدها، رضایت از فرصت‌های شغلی، بازار مسکن و اجاره آن، سطح عمومی هزینه‌های زندگی) را در بر می‌گیرد. بررسی این ابعاد در شهر تهران نشان از سطح پایین رضایتمندی شهروندان تهرانی از وضعیت این شاخص‌ها و در برخی موارد، نارضایتی آنها دارد. کیفیت محیط زیست (آلودگی هوا و صدا)، جریان حرکت و تردد در شهر، احساس آسایش و آرامش در شهر، بالا بودن سطح هزینه‌های زندگی و بازار مسکن، از جمله مهم‌ترین ابعاد نارضایتی شهروندان است. شاخص‌های دیگر، رضایتمندی نسبی و وضعیت نسبتاً مطلوب داشتند. نکته حائز اهمیت این است که شهروندان در دو بعد سطح عمومی دستمزدها و فرصت‌های شغلی رضایتمندی بیشتری نسبت به میانگین دارند که این امر خود نشان‌دهنده مسئله و مشکل اساسی نظام برنامه‌ریزی ملی کشور، تمرکز همه فعالیت‌های اقتصادی در شهر تهران، نیاز و ضرورت شهروندان برای زندگی در این شهر و دسترسی به فرصت شغلی است. چنانچه در پاسخ به این پرسش که «در صورت وجود فرصت اشتغال و درآمد در شهری دیگر، حاضر به مهاجرت از شهر تهران هستید؟»، اکثریت آنها اعلام رضایت داشتند. این امر گویای این واقعیت است که فضا یک مفهوم چندوجهی و در پیوند مستقیم با فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی از یک سو و مظهر بلافاصله مناسبات انسان با این فعالیت‌ها است. این پیوندهای فضایی موجب پیچیده شدن فرایند برنامه‌ریزی فضایی و نحوه اولویت‌دهی به خواست‌ها و نیازهای شهروندان در آن است و رعایت تعادل و توازن میان جمعیت، فعالیت و فضا از یک سو و همچنین تعادل و توازن میان برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای، شهری و محلی از سوی دیگر را روشن می‌سازد. نتایج پژوهش نشان داد که تعادل میان جمعیت، فضا و فعالیت در شهر تهران رعایت نشده و سازمان‌دهی نامناسب فضای ملی اثر مستقیم بر وضعیت کلان‌شهر تهران داشته و نارضایتی شهروندان را در دیگر عرصه‌ها موجب شده است. همچنین مشارکت نکردن شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی شهری، وجود سیستم شهری برون‌گرا، جواب‌گویی مدیریت شهری به

مقام‌های بالادست، تأثیرپذیری ارزش‌ها و گرایش‌های مدیریت شهری از بستر سیاسی و نه شهروندان، از دیگر عوامل مؤثر در انطباق نداشتن فضای شهر تهران با شاخص‌های فضای شهروندمدار است. بدون شک بهبود این وضعیت در کلان‌شهری با اندازه و مقیاس شهر تهران، نمی‌تواند در مدت زمان کوتاه و از طریق دخالت‌های عظیم کالبدی در فضای شهر صورت گیرد. اساس خلق فضای شهروندمدار، هدف قراردادن رضایتمندی شهروندان در همه برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌ریزی‌ها است که مستلزم تغییر رویکرد نظام برنامه‌ریزی شهری به برنامه‌ریزی پایین به بالا و درگیر کردن شهروندان در نظام سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت است. بدین جهت، می‌بایست نوعی هماهنگی در قوانین مدنی، سیاسی، حکومتی، مبانی و قوانین مدیریت شهری به وجود آید تا موانع رضایتمندی شهروندان از فضای شهر را خنثی یا متعادل کند و به ضرورت مدیریت اجتماعی و بحران‌های ناشی از آن بیش از پیش توجه شود.

منابع

- افروغ، عماد؛ (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی «ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن»، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- : (۱۳۷۶). فضا و نابرابری اجتماعی - مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی، پایان‌نامه دکترا در رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ایمانی شاملو، جواد؛ رفیعیان، مجتبی؛ داداش‌پور، هاشم؛ (۱۳۹۵). سوداگری شهری و واگرایی فضایی تحلیل تحولات فضایی کلان‌شهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره الف صص ۱۳۵-۱۰۴.
- توسلی، غلام عباس؛ نجاتی حسینی، سید محمود؛ (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۶۲-۳۲.
- ربانی، رسول؛ (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، اصفهان.
- رزاقی، حبیب‌الله؛ (۱۳۹۵). تحلیل کیفی فضا و منظر شهری و الگوی رفتاری استفاده‌کنندگان از فضا (مطالعه موردی: کناره رود کرج)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۱۱، صص ۹۵-۱۱۲.
- رفیعیان، مجتبی؛ شالی، محمد؛ (۱۳۹۱). «تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری»، مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره شانزدهم، شماره ۴، زمستان ۹۱، صص ۴۹-۲۵.
- دانشمند، فتانه؛ نظریان، اصغر؛ (۱۳۸۹). تقویت روحیه شهروندی در مدیریت کلان‌شهرها، مورد مطالعه: همدان، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۳، شماره ۸، صص ۸۷-۱۱۵.
- ساسان‌پور، فرزانه؛ تولایی، سیمین؛ جعفری اسدآبادی، حمزه؛ (۱۳۹۳). قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران)، فصلنامه جغرافیا، سال دوازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۵۷-۱۲۹.
- صرافی، مظفر؛ اسماعیل‌زاده، حسین؛ (۱۳۸۴). شهروندمداری راهکاری برای حل مسائل شهری در ایران، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۸-۲۱۷، صص ۱۴۵-۱۳۶.
- ضرغامی، اسماعیل؛ بهروز، سید محمد؛ (۱۳۹۴). نقش و مفهوم «فضا» در بازآفرینی نظریه معماری و علوم اجتماعی، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۸۱-۹۹.
- فالكس، کیت؛ (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کیمیا.
- کاظمیان، غلامرضا؛ (۱۳۸۳). رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- نجاتی حسینی، سید محمود؛ (۱۳۸۰). جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵، صص ۱۵-۶.
- نوذری، کمال؛ رجب‌دوست؛ (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی مردم‌گرایانه و شهروندمدار یا برنامه‌ریزی مدرنیستی و کارکردگرا، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، شماره ۸۶.
- هاروی، دیوید؛ (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی و شهر، مترجمان، فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، چاپ دوم، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- یان، گل؛ (۱۳۹۲). شهر انسانی، مترجمان علی غفاری و لیلا غفاری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- Corcoran, Mary P. (2015). "Jacobs, Jane (1916–2006)". *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)*. Pages 776–781.
- Chado, Jiman & Bte Johar, Foziah. (2016). Public Participation Efficiency in Traditional Cities of Developing Countries: A Perspective of Urban Development in Bida, Nigeria, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 219, 31 May 2016, Pages 185–192.
- Cunningham, Frank. (2011) "The virtues of urban citizenship" *City, Culture and Society*, 2 (2011) 35–44.
- Erica. (2003). "European Charter on the Participation of Young People in Local and Regional Life". Available at: www.youth-partnership.net.
- Estévez-Mauriz, Laura & others. (2016). "The livability of spaces: Performance and/or resilience? Reflections on the effects of spatial heterogeneity in transport and energy systems and the implications on urban environmental quality". *International Journal of Sustainable Built Environment*, Available online 24 October 2016.
- Gilles Clément, Angelia P. Bukley. (2014) "Human space exploration—From surviving to performing". *Acta Astronautica*, 100 (2014) 101–106.
- Holden, Kritina .L & others. (2013). "Human Factors in space vehicle design". *Acta Astronautica*, Volume 92, Issue 1, November 2013, Pages 110–118
- K. Jacobson. (2012). "Philosophical Perspectives on Home". *International Encyclopedia of Housing and Home*. 2012, Pages 178–182.
- Lukasz Stanek, Christian Schmid and Akos Morav anszky. (2016). "Urban Revolution Now: Henri Lefebvre in Social Research and Architecture, Emotion, Space and Society". Ashgate, Farnham. England. 2014, xv and 345 pp, ISBN: 978-1-4094-4293-6.
- Mclean, I. (1996). "Oxford Dictionary of Politics". Oxford University Press.
- Massy, Doreen. (1987). "New Direction in Space". Gregory & Urry (eds.). *Social Relation & Spatial Structure*. London: Macmillan Education LTD.
- Nigro, Héctor Oscar & Sandra Elizabeth González Císaro. (2016). "The citizen satisfaction index: Adapting the model in Argentine cities". *Cities* 56 (2016) 85–90.
- Pierre Dias, Thierry Ramadier. (2015). "Social trajectory and socio-spatial representation of urban space: The relation between social and cognitive structures". *Journal of Environmental Psychology*, 41(2015) 135e144.
- Roberts, B. (1997). "The Social Context of Citizenship in Latin America". *International Journal of Urban and Regional Research*. 20, I: 38-65.
- Rennie Short, J. (1996). "The Urban Order: An Introduction to Urban Geography". Wiley Blackwell.
- Siagian, Morida. (2016). "Social Space as People-Gathering Tool". ASEAN-Turkey ASLI (Annual Serial Landmark International) Conferences on Quality of Life 2016 AMER International Conference on Quality of Life, AicQoL2016Medan 25 –27 February 2016, Medan, Indonesia.

- Spencer, Christopher. (1991). "City Design and City Sense: Writing and Projects of Kevin Lynch T. Bannerjee, M. Southworth". (Eds.). *Journal of Environmental Psychology*, Volume 11, Issue 3, Pages 295-297, Available online 8 July 2005.
- Zenker, Sebastian & Petersen, Sibylle & Aholt, Andreas. (2013). "The Citizen Satisfaction Index (CSI): Evidence for a four basic factor model in a German sample". *Cities* 31 (2013) 156–164.
- Turner.B.S. (1993). "Contemporary Problems in the Theory of Citizenship" in Turner (ed) *Citizenship and Social theory*, sage, chap1.